



# مخطط مالی و رقابت پذیری در ایران

کمیسیون رقابت، خصوصی سازی و سلامت اداری

دبیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: محیط مالی و رقابت پذیری در ایران  
کمیسیون: رقابت، خصوصی سازی و سلامت اداری  
تهیه کننده: شاهین جوادی  
ناظر:  
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران  
شماره گزارش: ۱۱۹۵۵۹  
آذر ۹۵

## چکیده

گزارش پیش رو، گزارش چهارم از سلسله گزارش‌های الگوی ارتقاء رقابت‌پذیری در کشور است که به منظور تهیه یک بسته سیاستی در این خصوص تهیه می‌شود. در طراحی بسته سیاستی برای ارتقاء رقابت‌پذیری در کشور باید به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به عنوان یک کشور صادرکننده نفت توجه کرد که از مهمترین ساختارها، محیط مالی است.

محیط مالی مطلوب نقش بسیار قابل توجهی بر ایجاد و رشد و توسعه کسب‌وکارها دارد و می‌تواند سطح رقابت‌پذیری کشور را بطور مستقیم و غیرمستقیم ارتقاء دهد. محیط مالی شامل بازار پول و اعتبار و بازار سرمایه می‌شود. تاثیرگذاری منفی یا مثبت رانتهای نفتی بر محیط مالی بستگی به مدیریت رانتهای نفتی و سیاست مالی دولت دارد. در کشورهایی که بودجه دولت به رانتهای نفتی وابستگی بالایی نداشته و تحت تاثیر نوسانات قیمت جهانی نفت قرار ندارد از محیط مالی بهتری برخوردارند.

میانگین نمره ایران در رکن توسعه مالی (۳,۱۵) و بخش کارایی بازار مالی (۲,۶۰) و بخش اعتماد و اطمینان به بازار مالی (۳,۷۱) و اجزای آنها در شاخص جهانی رقابت‌پذیری از میانگین نمره کشورهای جهان و حتی از میانگین نمره کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت نیز کمتر است. در ایران برعکس اغلب کشورها، بازار پول و اعتبار نسبت به بازار سرمایه از شرایط نامناسب‌تری برخوردار است و این امر ناشی از سیاست مالی نادرست دولت در طی سالیان طولانی است.

## ۱. مقدمه (مولفه‌های محیط مالی)

کارآفرینان و مدیران کسب‌وکار به منظور ایجاد کسب‌وکار جدید یا توسعه کسب‌وکار موجود یا حتی تامین نقدینگی برای کسب‌وکار موجود به منابع مالی نیاز دارند. سه تامین‌کننده عمده منابع مالی برای بنگاه‌ها عبارتند از: شرکای تجاری، بانک‌ها (بازار پول و اعتبار) و بازار (بازار سرمایه). محیط مالی، زیرمجموعه‌ای از محیط کسب و کار است که بنگاه با آن مواجه است اما بر آن کنترلی ندارد و شامل بازار پول و اعتبار و بازار سرمایه می‌شود.

بازار پول و اعتبار، بازاری است که ابزارهای مالی اغلب با سررسید کوتاه‌مدت و میان‌مدت در آن مبادله می‌شود. گردش پول در این بازار سریع و درجه نقد شوندگی ابزارهای آن بالا و ریسک سوخت اصل سرمایه پایین است. عمده‌ترین نهادهای فعال در این بازار، خزانه‌داری و بانک مرکزی و سایر بانکها هستند. یک بازار پول کارا، بازاری است که ساختار رقابتی داشته باشد به نحوی که عرضه و تقاضا برای پول در محیطی رقابتی صورت گیرد. همچنین کارایی بازار پول به عملکرد نهادهای فعال در آن بستگی دارد به ویژه نقش خزانه‌داری و بانک مرکزی بسیار مهم است. بازار سرمایه مکمل بازار پول است و وظیفه آن تسهیل تشکیل سرمایه با جریان دادوستدهای میان‌مدت (بیش از یکسال) و بلندمدت ابزارهای مالی است. بسیاری از افراد و شرکت‌ها، منابع مالی مازاد دارند و ترجیح می‌دهند بجای پس‌انداز در سیستم بانکی، آن را در بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری کنند. این افراد معمولاً نسبت به پس‌اندازکنندگان در بازار پول از ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند و به دنبال بازدهی‌های بالاتر هستند که به منابع مالی بلندمدت برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری نیازمند هستند (مهری پرگو، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۳). بازار سرمایه کارآمد، بازاری است که در آن اطلاعات کافی درباره چگونگی سرمایه‌گذاری، خطرها و بازدهی وجود دارد. تحقق چنین شرایطی مستلزم برخورداری بازار از درجه شفافیت بالا است. در یک بازار کارآمد، اطلاعات به راحتی و به موقع قابل دسترس فعالان است و رانت اطلاعاتی وجود ندارد (مهری پرگو، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۴).

## ۲. تاثیر رانت‌های نفتی بر محیط مالی

ارتباط بین رانت‌های نفتی و محیط مالی را می‌توان در چارچوب دو نظریه اثر برون‌رانی<sup>۱</sup> و نظریه سرکوب مالی<sup>۲</sup> تبیین کرد. بر اساس نظریه اثر برون‌رانی، اگر بازار کالا و پول، هر دو در تعادل باشند، هر گونه افزایش مخارج دولت که همراه با افزایش حجم پول نباشد، موجب افزایش نرخ بهره می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، کاهش خواهد یافت (محمودزاده، صادقی، & صادقی، ۱۳۹۰). افزایش نرخ بهره به دلیل تغییراتی است که در بازار پول و سرمایه (محیط مالی) رخ می‌دهد. بنابراین محیط مالی ارتباط تنگاتنگی با سیاست مالی دولت (بودجه دولت) دارد.

همچنین مداخله دولت‌ها در بازارهای مالی از طریق تعیین سقف نرخ سود سپرده‌های بانکی، نرخ‌های بالای ذخایر قانونی، دخالت در نحوه توزیع اعتبارات بانکی، وضع قوانین و مقررات محدودکننده حساب جاری و حساب سرمایه (کميجانی & پوررستمی، ۱۳۸۷) به شرایط سرکوب مالی موسوم است. در این شرایط نرخ سود بانکی پایین نگه داشته می‌شود اما دسترسی به اعتبارات محدود و سخت است.

در کشورهای در حال توسعه معمولاً وجود رانت‌های نفتی به ویژه در دوران رونق نفتی سبب گسترش بخش دولتی و افزایش مخارج دولت می‌شود که این امر موجب افزایش کسری بودجه غیرنفتی می‌شود که به معنی سیاست مالی انبساطی و افزایش تقاضای دولت برای کالاها و خدمات است که به نوبه خود به افزایش تقاضا برای پول و در نتیجه به افزایش نرخ بهره (با فرض آنکه به صورت دستوری کنترل نشود) منجر می‌شود. همچنین به موازات آن نرخ‌های بهره در سایر بازارها (شامل بازار غیررسمی) افزایش می‌یابد. بنابراین بازار پول و سرمایه (محیط مالی) تحت تاثیر سیاست مالی دولت قرار می‌گیرند که در نتیجه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد.

اگر نرخ بهره به صورت دستوری کنترل شود، محدودیت‌های مقداری در دستور کار سیستم بانکی قرار می‌گیرد و دریافت تسهیلات از بانک‌ها برای کسب‌وکارها سخت می‌شود. در این شرایط نیز نرخ‌های بهره در سایر بازارها (شامل بازار غیررسمی) افزایش می‌یابد. بنابراین بازار پول و سرمایه و بازار غیررسمی تحت الشعاع سیاست مالی دولت قرار می‌گیرد به طوری که تأمین مالی سرمایه از بازار غیررسمی با هزینه بالایی صورت می‌گیرد زیرا بازارها با هم ارتباط داشته و تغییرات در یک بازار، سایر بازارها را نیز تغییر می‌دهد، به خصوص در بازارهای پول و سرمایه که تغییرات

<sup>1</sup> Crowding Out Effect

<sup>2</sup> Financial Repression

به سرعت صورت می‌گیرد. در این شرایط سرکوب مالی به منظور فائق آمدن بر آثار منفی سیاست مالی انبساطی حاکم می‌شود که بر محیط مالی تاثیر منفی دارد.

همچنین در دوران رکود نفتی با کاهش رانتهای نفتی، دولت‌ها مجبورند به تامین مخارج گسترده خود ادامه دهند. در این شرایط، دولت‌ها از طریق استقراض از بانک مرکزی یا فروش اوراق قرضه یا مشارکت یا به تعویق انداختن بازپرداخت بدهی‌های خود به بانکها بر محیط مالی تاثیر منفی می‌گذارند.

بنابراین کسب‌وکارها و کارآفرینان در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت با احتمال بیشتری با مشکل تأمین مالی سرمایه مواجه می‌شوند و محیط مالی معمولاً از شرایط مناسبی برای کسب‌وکار برخوردار نیست. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در گروه کشورهای در حال توسعه، میانگین نمره رکن توسعه بازار مالی در شاخص جهانی رقابت‌پذیری (در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵) در کشورهای صادرکننده نفت (۳,۸۹) کمتر از کشورهای غیرصادرکننده نفت (۴,۱۴) است.

اما در گروه کشورهای توسعه‌یافته، وجود رانتهای نفتی و پس‌انداز آن در سیستم بانکی یا استفاده از آن برای بازپرداخت بدهی‌های بانکی سبب بهبود وضعیت محیط مالی می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته صادرکننده نفت، مزاد بودجه غیرنفتی که در سیستم بانکی قرار می‌گیرد یا برای بازپرداخت بدهی‌های دولت استفاده شود یا سبب جمع‌آوری اوراق قرضه‌ای که قبلاً در بازار سرمایه و بدهی انتشار یافته‌اند سبب کاهش نرخ بهره شده و بهبود محیط مالی را بدنبال دارد. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در گروه کشورهای توسعه‌یافته، میانگین نمره رکن توسعه بازار مالی (در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵) در کشورهای صادرکننده نفت (۵,۰۹) بیشتر از کشورهای غیرصادرکننده نفت (۴,۵۵) است.

در مجموع می‌توان گفت تاثیرگذاری منفی یا مثبت رانتهای نفتی بر محیط مالی بستگی به مدیریت رانتهای نفتی و سیاست مالی دولت دارد. در کشورهایی که بودجه دولت به رانتهای نفتی وابستگی بالایی نداشته و تحت تاثیر نوسانات قیمت جهانی نفت قرار ندارد از محیط مالی بهتری برخوردارند.

جدول ۱- میانگین نمره رکن توسعه بازار مالی در شاخص جهانی رقابت‌پذیری - دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵

توسعه بازار مالی	طبقه بندی کشورها	
3.89	صادرکننده نفت	کشورهای در حال توسعه
3.15	شامل ایران	
4.14	غیرصادرکننده نفت	
5.09	صادرکننده نفت	کشورهای توسعه یافته
4.55	غیرصادرکننده نفت	
4.25	میانگین کل کشورها	

ماخذ: سایت مجمع جهانی اقتصاد و محاسبات نویسنده.

### ۳. تاثیر محیط مالی بر کارآفرینی و کسب‌وکار

محیط مالی توسعه شرکت‌های جدید را به دو شکل تحت تاثیر قرار می‌دهد. اول، از طریق هزینه سرمایه که تصمیمات سرمایه‌گذاری را به‌طور کلی تحت تاثیر قرار می‌دهد و دوم، از طریق تأمین مالی شرکت‌های جدید یا ایده‌های کسب‌وکار جدید (Cuervo, 2005). اکتساب منابع مالی برای محصولات جدید با مسئله عدم تقارن اطلاعات و نااطمینانی روبرو است. عدم تقارن اطلاعات به تمایل کارآفرین در حفظ برخی اطلاعات سری درباره بهره‌برداری از فرصت برمی‌گردد اما این امر امکان رفتار فرصت‌طلبانه علیه تأمین‌کنندگان سرمایه را ایجاد می‌کند. اطلاعات بهتر درباره پروژه می‌تواند به کارآفرین در بهبود شرایط رابطه مالی کمک کند (Shane & Cable, 2002). سرمایه‌گذاران با مشکلاتی در کنترل پروژه روبرو هستند و اطلاعات نامتقارن می‌تواند به انتخاب زیانبار آنها منجر شود زیرا سرمایه‌گذاران قادر نیستند ارزیابی درستی از پتانسیل فرصت کسب‌وکار یا توانایی‌های کارآفرین به عمل آورند. نااطمینانی از سختی ارزیابی جریان نقدی مورد انتظار پروژه ناشی می‌شود و ارزیابی توانایی کارآفرینی بدون تجربه قبلی سخت است و به مذاکره با کارآفرین نیاز دارد. در نهایت، تنها می‌توان ریسک ارزیابی‌های نادرست درباره توانایی کارآفرین را با درخواست

وثیقه<sup>۳</sup> جبران کرد که تنها در صورت وجود دارایی‌های قابل نقل و انتقال ممکن است. بنابراین، وجود شرکت‌های سرمایه‌خطرپذیر<sup>۴</sup> ضروری است. شرکت‌های سرمایه‌خطرپذیر بهره‌برداری از فرصت‌ها را ممکن، ایجاد شرکت‌ها را تسهیل، خرید شرکت‌ها توسط مدیرانشان را پشتیبانی و به حل تضاد منافع دومین و سومین نسل در شرکت‌های با مالکیت فامیلی کمک می‌کنند. سرمایه‌خطرپذیر به هماهنگی میان شرکت‌ها که در یک خوشه فعالیت می‌کنند از طریق فراهم آوردن غیرمستقیم توانایی‌های مدیریتی و پشتیبانی از استراتژی‌های رشد کمک می‌کنند. پشتیبانی از سرمایه‌خطرپذیر یا به‌طور رسمی (شرکت‌های سرمایه‌خطرپذیر) یا غیررسمی (سرمایه‌گذاران یا فروشندگان کسب‌وکار)، تأمین مالی فرصت‌های کارآفرینی را میسر می‌کند. دولت می‌تواند انگیزه‌های مالیاتی ارائه دهد که سبب کاهش مسائل مربوط به ناطمینانی از بهره‌برداری فرصت‌های کارآفرینانه شود (Cuervo, 2005) اما از آن مهمتر تأثیری است که دولت می‌تواند از طریق سیاست مالی خود بر بازار پول و سرمایه و بازار غیررسمی داشته باشد.

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی به شمار می‌آیند که با هدایت و سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل می‌کنند و موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شوند (عیسی‌زاده & شاعری، ۱۳۹۰). اعتبار بانک<sup>۵</sup> مانند مسیر سنگ فرشی است که تولید روی آن حرکت می‌کند و بانکداران، اگر وظیفه خود بدانند، تسهیلات حمل‌ونقل را به اندازه‌ای فراهم می‌کنند که نیروهای بهره‌وری جامعه در اشتغال کامل بکار گرفته شود (Malcolm, 2006, p. 346). بر اساس نظر شومپیتر، بانکهای کارآمد از طریق شناسایی و تأمین مالی کارآفرینانی که بهترین شانس را برای انجام تولید نوآورانه یا فرآیندهای تولید دارند، نوآوری فنی را گسترش می‌دهند (Schumpeter, 1934).

#### ۴. محیط مالی و شاخص رقابت‌پذیری جهانی

هر چه بازار مالی توسعه‌یافته‌تر و کارا تر باشد و اعتماد و اطمینان به بازار مالی بیشتر باشد، محیط مالی از شرایط بهتری برخوردار است. در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، رکن توسعه بازار مالی، هشتمین رکن از ۱۲ رکن اصلی است که برای کشورهایی که در مرحله دوم رقابت و توسعه (تقویت کارایی) هستند اهمیت بالاتری دارد. این رکن دو بخش اصلی، کارایی بازار مالی و اعتماد اطمینان به بازار مالی دارد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۵، میانگین نمره ایران در رکن توسعه مالی (۳,۱۵) و بخش کارایی (۲,۶۰) و بخش اعتماد و اطمینان به بازار مالی (۳,۷۱) از میانگین نمره کشورهای جهان در این دوره کمتر است و حتی از میانگین نمره کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت نیز کمتر است.

جدول ۲- میانگین نمره رکن توسعه بازار مالی و کارایی و اطمینان به آن از شاخص رقابت‌پذیری جهانی - دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵

طبقه بندی کشورها		رکن ۸: توسعه بازار مالی	کارایی بازار مالی	اعتماد و اطمینان به بازار مالی
کشورهای در حال توسعه	صادرکننده نفت	3.89	3.54	4.24
	شامل ایران	3.15	2.60	3.71
	غیرصادرکننده نفت	4.14	3.65	4.62
کشورهای توسعه یافته	صادرکننده نفت	5.09	4.63	5.55
	غیرصادرکننده نفت	4.55	4.16	4.94
میانگین کل کشورها		4.25	3.83	4.68

ماخذ: سایت مجمع جهانی اقتصاد و محاسبات نویسنده.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۵، میانگین نمره ایران در همه اجزای (۵ جزء) مربوط به بخش کارایی بازار مالی در رکن توسعه بازار مالی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شامل دسترسی به خدمات مالی (۳,۰۵)، توانایی از عهده برآمدن خدمات مالی

3. Collateral

4. Venture Capital Firms

5. Bank Credit

(۳,۱۵)، تأمین مالی از طریق بازار سهام محلی (۳,۲۱)، سهولت دسترسی به وام (۳,۰۶) و دسترسی به سرمایه خطرپذیر (۲,۹۲) نسبت به میانگین جهان و حتی نسبت به میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت شرایط نامناسب‌تری دارند. در بین اجزای مربوط به بخش کارایی بازار مالی در رکن توسعه بازار مالی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی، بطور میانگین در همه کشورها، دو جزء سهولت دسترسی به وام (۳,۰۶) و دسترسی به سرمایه خطرپذیر (۲,۹۲) شرایط نامناسب‌تری دارند. در ایران نیز در بین اجزای کارایی بازار مالی، دو جزء نامبرده از شرایط نامناسب‌تری برخوردار هستند با این تفاوت که در میانگین جهان، دسترسی به سرمایه‌خطرپذیر میانگین نمره پایین‌تری دارد اما در ایران سهولت دسترسی به وام میانگین نمره پایین‌تری دارد و این امر می‌تواند به معنی آن باشد که برعکس اغلب کشورها، در ایران بازار پول و اعتبار نسبت به بازار سرمایه از شرایط نامناسب‌تری برخوردار است. نکته قابل توجه دیگر در جدول ۳ آن است که در دو جزء سهولت دسترسی به وام و دسترسی به سرمایه خطرپذیر، فاصله میانگین نمره ایران از میانگین جهانی و میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بسیار بیشتر از فاصله در سایر اجزاء است و این امر وخامت شرایط تأمین مالی کسب‌وکار در ایران را نسبت به اغلب کشورهای جهان نشان می‌دهد.

### جدول ۳- میانگین نمره اجزاء بخش کارایی بازار مالی در رکن توسعه بازار مالی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی- دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵

طبقه بندی کشورها	دسترسی به خدمات مالی	توانایی از عهده برآمدن خدمات مالی	تأمین مالی از طریق بازار سهام محلی	سهولت دسترسی به وام	دسترسی به سرمایه خطرپذیر
کشورهای در حال توسعه	صادرکننده نفت	4.05	3.50	2.98	2.79
	شامل ایران	3.15	3.21	1.60	1.88
کشورهای توسعه یافته	غیرصادرکننده نفت	4.28	3.66	2.91	2.71
	صادرکننده نفت	5.37	4.63	3.52	3.57
میانگین کل کشورها	غیرصادرکننده نفت	4.91	3.98	3.22	3.17
	صادرکننده نفت	4.84	3.77	3.06	2.92

ماخذ: سایت مجمع جهانی اقتصاد و محاسبات نویسنده.

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۵، میانگین نمره ایران در همه اجزای (۳ جزء) مربوط به بخش اعتماد و اطمینان در رکن توسعه بازار مالی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شامل عملکرد بانکها (۴,۲۰)، مقررات مبادلات اوراق بهادار (۳,۷۵)، شاخص حقوق قانونی (۳,۶۷) نسبت به میانگین جهان و حتی نسبت به میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت شرایط نامناسب‌تری دارند.

### جدول ۴- میانگین نمره اجزاء بخش اعتماد و اطمینان در رکن توسعه بازار مالی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی- دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵

طبقه بندی کشورها	عملکرد بانکها	مقررات مبادلات اوراق بهادار	شاخص حقوق قانونی
کشورهای در حال توسعه	صادرکننده نفت	4.94	4.57
	شامل ایران	4.20	3.67
کشورهای توسعه یافته	غیرصادرکننده نفت	5.33	5.42
	صادرکننده نفت	5.60	7.83
میانگین کل کشورها	غیرصادرکننده نفت	5.08	6.61
	صادرکننده نفت	5.17	5.70

ماخذ: سایت مجمع جهانی اقتصاد و محاسبات نویسنده.

## نتیجه‌گیری

به‌منظور طراحی الگویی برای ارتقای رقابت‌پذیری در کشور باید ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای صادرکننده نفت مورد ملاحظه قرار گیرد که از مهمترین ساختارها، محیط مالی است. محیط مالی شامل بازار پول و سرمایه است که هر یک نقش مهمی را در تامین مالی ایجاد و رشد و توسعه کسب‌وکار بر عهده دارند. محیط مالی مطلوب بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی را افزایش می‌دهد.

در اغلب کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت (شامل ایران) شرایط محیط مالی نسبت به سایر کشورها بدتر است که ناشی از سیاست مالی نادرست دولت در دوران رونق نفتی و سپس دوران رکود نفتی است، سیاست‌هایی که به اثر برون‌رانی و سرکوب مالی منتهی می‌شوند و محیط مالی نامناسبی را پیش روی کارآفرینان ایجاد و قدرت رقابت‌پذیری کشور را کاهش می‌دهند. در مقابل در کشورهای توسعه‌یافته صادرکننده نفت، سیاست مالی مناسب و مدیریت مطلوب رانته‌های نفتی به بهبود محیط مالی و ارتقاء سطح رقابت‌پذیری کمک می‌کند.

در دو جزء سهولت دسترسی به وام و دسترسی به سرمایه خطرپذیر، فاصله زیاد میانگین نمره ایران از میانگین جهانی و میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، وخامت شرایط تامین مالی کسب‌وکار در ایران را نسبت به اغلب کشورهای جهان نشان می‌دهد. همچنین در ایران برعکس اغلب کشورها، بازار پول و اعتبار نسبت به بازار سرمایه از شرایط نامناسب‌تری برخوردار است و این امر ناشی از سیاست مالی نادرست دولت در طی سالیان طولانی است.



## منابع و مأخذ:

- شین، ا. (۱۳۸۸). تئوری عمومی کارآفرینی: زنجیره فرد-فرصت (مترجم: کامبیز طالبی و دیگران). تهران: نشر سید آریین عسکری رانکوه.
- صندوق بین‌المللی پول. (۲۰۰۳). تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت (مترجم: شاهین جوادی). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- عیسی‌زاده، س.، & شاعری، ز. (۱۳۹۰). ساختار بازار و کارایی نظام بانکی؛ مطالعه‌ی موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا. پژوهشنامه‌ی علوم اقتصادی، ۶۳-۸۴.
- کميجانی، ا.، & پوررستمی، ن. (۱۳۸۷). تاثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی (مقایسه اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته و نوظهور). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳۱-۵۱.
- کارل، ت. ل. (۱۳۸۸). معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی (مترجم: جعفر خیرخواهان). تهران: نشر نی.
- محمودزاده، م.، صادقی، س.، & صادقی، ث. (۱۳۹۰). اثر مخارج مالی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۱۳۱-۱۴۶.
- مهری پرگو، ع. (۱۳۹۴). الگوی جامع رقابت‌پذیری جهانی: اصول و راهکارهای سطوح ملی و کسب‌وکار. تهران: مرز فکر.
- نیلی، ف. (۱۳۹۴). نظام تامین مالی تولید در ایران، بررسی ساختار مالی بنگاه‌های اقتصادی. تهران: اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران.
- Cuervo, A. (2005). Individual and Environmental Determinants of Entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 1, 293-311.
- Harper, D. (1997). *institutional conditions for entrepreneurship*. US: new York University.
- Malcolm, A. (2006). *A handbook of alternative monetary economics (edited by Philip)*. Edward Elgar.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The theory of economic development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Shane, S. (2003). *A general theory of entrepreneurship. the individual-opportunity nexus*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Shane, S., & Cable, D. (2002). Networks ties, reputation and the financials of new ventures. *Management Science*, 48, 364-3